

قانون وکلا

شماره چهارم

شهریورماه ۱۳۲۷

سال اول

محمد - فریبا

قانون مدنی ایران از لحاظ احتیاجات روز

۳

در شماره‌های قبل قسمتی از مواد قانون مدنی را که از نظر احتیاجات فعلی ناقص یا نارسا می‌باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم اینک در باب قسمت دیگر بحث خواهیم نمود .
تسبیب .

در فصل دوم از باب قانون مدنی ماده ۳۰۷ موارد ضمان قهری را قانون گذار توضیح کرده و بشرح آماده امور ذیل موجب ضمان قهری است
۱- غصب - ۲- انلاف - ۳- تسبیب - ۴- استیفاء

آنچه در این ماده بیشتر مورد نظر دقت می‌باشد تسبیب است - در ماده ۳۳۱ قانون چنین مقرر داشته که هر کس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آنرا بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت بر آید و همچنین از مفاد مواد ۳۳۲ که میگوید هر گاه بکنفر

سبب تلف مالی را ایجاد کنند و دیگری مباشرتلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بشعوی که عرفاً اتلاف مستند باو باشد .

بشعوی مستفاد میشود که مقنن در انواع واقسام ضررهای که از جانب مردم به یکدیگر وارد میشود فقط ضررهای مادی که موجب اتلاف مالی شود اعم از آنکه عمداً یا سهواً وارد شده باشد قابل جبران دانسته و نیز در قسمت آخر ماده ۷۲۸ آئین دادرسی مدنی تصریح نموده است باینکه ضرر ممکن است بواسطه از بین رفتن مالی باشد یا بواسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل میشده است .

ولی قانون موضوع ضررهای معنوی که از اعمال نا روای اشخاص به یکدیگر وارد می شود مورد توجه قرار نداده است حصر مورد ضررهای مادی و مالی سبب آن شده است که مردم در اعمال روزانه خود بدون توجه باینکه ممکن است آن اعمال موجب اضرار غیر از جهت مادی و معنوی گردد هر اقدامی که برای خود متضمن جلب منفعت یا دفع ضرر بدانند بدون اندیشه و تعمق در نتایج حاصله از آن برای دیگران بآن اقدام مبادرت می کنند و این عنان گسیختگی را آزادی نام میدهند نارسائی قانون و محصور بودن مسئولیت بموردی که ضرر مادی و قابل تقدیر و تقویم باشد سبب شده است که دادگاهها در این موارد بظاهر ماده قانون اکتفا کرده و متضررین موفق بجبران خسارات وارده نکرده و از این جهت جان و مال و حیثیت و شرافت اشخاص دائماً در معرض تعدی دیگران قرار میگردد پیشرفت تمدن و اختراعات که دائماً موجب تحول در زندگانی افراد جوامع می شود همواره تغییراتی در زندگانی مادی و معنوی افراد ملل ایجاد مینماید و به تناسب این تحول و تغییر روابط افراد با یکدیگر دائماً در تضاد است و خاصیت اجتماع همین است و از طرفی چون شدت ارتباط و سرعت آن که خود زائیده وسایل ارتباط است موجب اصطکاک منافع افراد میگردد و در نتیجه زیان وارد از طرف اشخاص به یکدیگر تنوع یافته و زیاد میشود و اگر در این موارد نامی از زیان معنوی برده میشود وقتی به نتایج حاصله از ورود زیان معنوی توجه شود ملاحظه خواهد شد که غالباً زیان معنوی سبب زیان مادی میگردد حقیقت یکی است و مفاهیم و مصداق تغییر می نماید . دادگاههای ممالک دیگر مخصوصاً قضات دیوان کشور آنان تحولات

زمان را همواره مورد نظر قرار میدهند و قوانین موجود را هر چند کاملاً تطبیق نمایند بر فوق مقتضیات زمان و مکان که از عادات و اخلاق و روابط مردم کشورشان با یکدیگر سر چشمه میگیرد تفسیر و تطبیق مینمایند متأسفانه این روش در ایران مورد نظر و توجه دیوان کشور نیست و به همین جهت اخیراً وزارت دادگستری با توجه باین موضوع طرح قانونی متضمن ماده ۲۶ پیشنهاد مجلس شورای ملی نموده است و طرح مزبور کمیته و کیفیت خسارات مادی و معنوی وارده بر اشخاص را مبتنی بر اصل تسبیب از قانون مدنی که مبنای اساسی برای جبران خسارات میباشد شناخته و زبان معنوی را قابل تقدیر فرض کرده و همچنین قسمتی از طرح مذکور اختصاص بحمايت طبقه کارگر در مقابل مسئولیت‌های مدنی کارفرمایان داده و چون این طرح از نظر موضوع آن مهم و در قوانین ما تا زگی دارد بشرح قسمتهای مهم آن میپردازیم .

ماده ۱- طرح قانون مشتمل بر سه قسمت است قسمت اول راجع به کسیکه بدون حق و بطور نا مشروع عمداً یا در نتیجه غفلت یا بی احتیاطی بجان و مال و سلامتی و آزادی و یا بهر حق دیگری لطمه وارد کند باید آن را جبران کند قسمت دوم مربوط است بکسیکه برخلاف قانونی که برای حمایت دیگری وضع شده رفتار نماید چنین کسی مسئول جبران زیان ناشی از عمل خود میباشد قسمت سوم در باب کسی است که عمداً یا بواسطه اعمال مخالف عادات و اخلاق باعث زیان دیگری گردد آنچه از ماده اول قانون استنباط می شود زیان حاصله در اثر اعمال ناروای اشخاص بهمنوعان خود مادی میباشد ولی در ماده ۸ در باب جبران زیان معنوی تصریح شده باینکه کسیکه بمنافع شخصی او (از قبیل شرافت حیثیت خانوادگی و شغل و امثال آن) و وضیت آینده او لطمه وارد شود میتواند در صورت اثبات تقصیر مطالبه کلیه زیان وارد شده را بنماید علاوه اگر اهمیت خاص ضرر و تقصیر ایجاب نماید زیان دیده میتواند مبلغی نیز بعنوان خسارت معنوی مطالبه کند .

موضوع تسبیب در این دو ماده تشریح و مسبب هر نوع ضرری از مادی و معنوی اعم از آنکه در نتیجه عمد یا غفلت یا بی احتیاطی یا مخالفت با قانون و یا اعمال مخالف اخلاق حسنه باشد مسئول شناخته شده و باید جبران خسارات زیان دیده را بنماید .

گاه ممکن است حالات و کیفیات خاصی رخ نماید که تقدیر میزان زبان واقعی ممکن نباشد مثل موردی که شخصی بواسطه پاره انتشارات مخالف اخلاق حسنه بحسن شهرت طبیب یا نقاش یا موسیقی دانی لطمه وارد آورد و در نتیجه از مراجعین یا مشتریان زبان دیده کم شود بدیهی است در این موارد تعیین میزان واقعی زبان مشکل خواهد شد برای رفع اشکال و حصول قدر متیقن در ماده دوم مقرر شده که اگر تعیین میزان واقعی زبان ممکن نباشد دادگاه با در نظر گرفتن حالت عادی قضیه و اقداماتی که از طرف زبان دیده بعمل آمده است عادلانه میزان آن را تعیین خواهد کرد نکته قابل توجه در قسمت دوم ماده اول در تعیین مواردی است که ممکن است زبان از طرف کسی بدیگری وارد شود و آن مربوط بموردی است که کسی برخلاف قانونی که برای حمایت دیگری وضع شده رفتار نماید مورد مذکور راجع است بقوانینی که برای حمایت کارگران در مقابل اعمال خلاف قانون کار فرمایان و همچنین قانون بیمه آنان و قوانینی که برای حمایت صغار و مہجورین و با کشاورزان وضع گردیده و یا در آینده وضع شود بدیهی است در قوانینی که راجع باشخص وضع شده یا بشود قسمتی از اعمال مخالف قانون اشخاص جزایش در قانون پیش بینی شده است ولی تمام اعمال مخالف قانون عمدی یا غیر عمدی اشخاص را نمیتوان بوسیله وضع قانون تعدید نمود و از طرفی بمقتضای زمان نیز مفهوم اعمال زبان آور تغییر میکنند بنا بر این قسمت دوم ماده ۱ قانون اساسی ضمانت اجرائی ممانعت از اعمال نافرمانی صاحبان قدرت را تحکیم نموده است .

در مورد تعیین میزان زبان و تشخیص کیفیت و کمیت آن طرح مذکور دادرس دادگاه را مشخص قضیه قرار داده او را از ارجاع امر اس باز داشته است .

مسلم است تصمیم دادگاه بهتر از کارشناس میباشد چه آنکه اولاً قاضی خود بامور زندگانی جامعه بصیر و درائر رسیدگی بهتر به حقیقت امر آگاهی حاصل می نماید و مسائلی که ضمن رسیدگی بردارس و اذبح میشود بر کارشناس کاملاً مستور خواهد بود و ثانیاً عدم ارجاع بکارشناس خود وسیله تسریع در رسیدگی و خاتمه کار می باشد و آنچه تاکنون در مورد مجازات دیگر بکارشناس ارجاع کشته و یا میشود در بسیاری از موارد علاوه بر طولانی گشتن محاکمه موجب حصول نتایج نا مطلوب و خلاف

واقع هم میباشد و این هم ناشی از عدم توجه مجریان قانون در انتخاب کارشناس وعدم دقت در شایستگی علمی و اخلاقی آنان است

ماده ۱۰ و ۲۰ در مورد تشخیص مسئولیت اطفال و مهجورین و اشخاص مختل المشاعر میباشد ماده ۱۰ مقرر داشته اطفالیکه هفت سال تمام ندارند مسئول جبران زیان وارده بدیگری نیستند کسانیکه بیش از هفت سال دارند ولی به ۱۸ سال تمام نرسیده اند در صورتیکه در موقع وارد آوردن زیان قوه ممیزه کافی برای درک مسئولیت نداشته باشند مسئول جبران زیان وارده بدیگری نمیباشند و همین حکم درباره اشخاص لال و کر جاری است و ماده ۲۰ تصریح میکند باینکه کسیکه در حال بی اختیاری یا ابتلاء مرض اختلال مشاعر بنحوی که بکلی سلب اراده از او شده باشد زیان بکسی وارد آورد مسئول آن نیست و اگر در اثر استعمال نوشابه الکلی با وسایل متشابه دیگر خود را در معرض چنین حالتی بطور موقت در آورد نسبت بزیان ناشی از عمل برخلاف حق مسئول میباشد و مسئولیت آن مانند مسئولیت از غفلت میباشد و در صورتیکه بدون تقصیر دچار چنین حالتی شود هیچ مسئولیتی دامنگیر او نخواهد بود .

بدیهی است که اشخاصیکه بعادت صغر و یا مرض دائم یا موقت قوای عقلانی خود را از دست داده اند نباید مسئول جبران زیان ناشی از اعمال خود شناخته شوند ولی در عین حال اشخاصیکه وظیفه دار حمایت از این قبیل اشخاص میباشدند در صورت قصور و یا تقصیر در اجرای وظایف خود مربوط بامر حفاظت از دیگیری مسئول شناخته خواهند شد و به همین نظر در ماده ۱۲ تصریح شده کسیکه بموجب قانون صغیر یا شخصی را که وضعیت دماغی و یا جسمی او مستلزم مواظبت است تحت مراقبت دارد مسئول زبانی است که از عمل خلاف قانون اشخاص نامبرده باشخاص ثالث وارد میگردد همین مسئولیت متوجه شخصی است که در اثر عقد قرارداد عهده دار مراقبت میگردد ولی هر گاه شخص مراقب و نایب مراقبتی خود را انجام دهد و زیان وارده با فرض بذل مراقب ناگزیر و حتمی الوقوع باشد تکلیف جبران زیان ساقط میگردد .

دادگاهها در مورد رسیدگی بدعاوی ناشی از اعمال نازوی اشخاص اختیارات نامحدود دارند و تشخیص وارد شدن زیان بزبان دیده و کیفیت شدت وضعف زیان و میزان و مبلغ آن بنظر دادگاههاست و مخصوصا

دادگاهها باید تمام اطراف وجوانب قضیه را مورد دقت قرار دهند بهمین نظر در ماده ۱۹ مقرر داشته که اگر انصاف و عدالت اقتضا کند دادگاه می تواند شخص غیر ممیز را نیز بچبران تمام یا قسمتی از زیانی که وارد نموده است محکوم نماید ممکن است زیان دیده عمداً رفتاری کند که موجب شدت اثر زیان شود مثل اینکه کسی جراحی بدست دیگری وارد سازد و مجروح عمداً از معالجه خودداری کند و جراحی موجب سیاه شدن استخوان دست او گردد که عاقبت منتهی به بریدن دست زیان دیده شود بدیهی است خسارت جراحی که التیام یابد بمراتب کمتر از خسارت فقدان يك دست میباشد و یا زیان دیده اعمال تحریک آمیزی بجا آورد که موجب تشدید زیان شود در این موارد دادگاه می تواند اساساً حکم بزبان ندهد گاه اتفاق می افتد که وضع زندگانی و دارائی زیان وارد آورنده نا مساعد می باشد و اگر زیان واقعی را دادگاه مورد حکم قرار دهد زیان وارد آورنده قادر به پرداخت آن نخواهد بود یا اگر قدرت پرداخت هم داشته باشد اجراء حکم موجب بی چیزی و فقر محکوم خواهد شد در این موارد دادگاه اختیار دارد وضعیت زندگانی زیان وارد آورنده را در نظر گرفته و مبلغ آن را تخفیف دهد .

ماده ۴ طرح قانونی موارد مذکور فوق را باین شرح توضیح می نماید دادگاه میزان زیان را تخفیف داده یا اصلاً حکم بچبران آن ندهد و قتیکه زیان دیده رضایت بزبان داده و یا با اعمالی مثل تحریک که مشارالیه مسئول آنها شناخته میشود بایجاد زیان یا باضافه شدن آن کمک نموده یا وضعیت زیان وارد آورنده را تشدید کرده باشد و قتیکه سبب وقوع زیان عمده یا غفلت مهم نبوده و چبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی مدیون می شود دادگاه میتواند میزان آنرا تخفیف دهد .

زیان ممکن است دفعی یا استمراری باشد مثل اینکه بر اثر زیان سلب قدرت کار از زیان دیده شود و با آنکه بر اثر زیان وارد شده زیان دیده که متکفل زندگانی خانواده خود است از بین برود دادگاه هم میتواند پرداخت آنرا از طرف زیان وارد آورنده بطور استمراری مورد حکم قرار دهد - و همچنین اگر در موقع صدور حکم میزان واقعی زیان مشخص نباشد دادگاه مبلغی را در نظر خواهد گرفت هر گاه در آتی معلوم شود که میزان خسارت بیش از آن بوده که دادگاه حکم بآن داده است برای دادگاه حق تجدید

نظر تا مدت دو سال باقی میباشد و باین منظور ماده ۶ مقرر نموده که اگر در اثر آسیبی ببدن یا سلامت وارد شده قوه کارزبان دیده کم شود یا از بین برود یا موجب افزایش مایحتاج زندگانی او شود زبان دیده حق دریافت مخارج و زبان خواهد داشت .

دادگاه جبران زبان را با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری با پرداخت مبلغی تعیین مینماید و اگر جبران زبان بطریق مستمری بعمل آید تشخیص اینکه بچه اندازه و تاچه مبلغ میتوان از زبان وارد آورد تا همین گرفت با دادگاه است اگر در موقم صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر از حکم را خواهد داشت .

زبان معنوی ممکن است از شخص تجاوز و بد دیگران نیز سرایت نماید مثل اینکه زبان دیده بر اثر آن فوت نماید و خانواده او بی سرپرست شوند در این مورد نیز زبان وارد آورنده مکلف است هزینه زندگانی و تربیت اطفال زبان دیده را نیز بپردازد - بدیهی است در این موارد دادگاه ها باید موقعیت زندگانی زبان دیده و کیفیت مزاج او در حال سلامتی و سن او و مدتی را که عادتاً اگر زبان وارد نشده بود او بزندگان ادا می داد در نظر گیرد و مبلغ متناسبی بعنوان زبان معنوی برای خانواده او تعیین نماید ماده ۷ در این مورد میگوید - دادگاه با در نظر گرفتن کیفیات خاصه قضیه میتواند در صورت ابراد آسیب به بدن و یا سلامت بنفهر زبان دیده و در مورد مرگ بنفع خانواده او بطور عادلانه مبلغی بعنوان زبان معنوی حکم بدهد .

حق مطالبه زبان معنوی قبل معامله یا انتقال نیست مگر اینکه در ضمن قرارداد آنرا قبول کرده و یا آنکه در دادگاه طرح شده باشد . زن یا دختری که بواسطه اعمال حیلہ یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن آنها حاضر برای هم خوابگی نامشروع شده و یا نسبت بآنها جنحه یا جنایتی راجع بعفت عمومی ارتکاب شده باشد میتواند از مرتکب مطالبه زبان معنوی نماید .

موضوع اعمال منافی عفت و اغفال دختران و وارد کردن زنان با اعمال منافی عفت (با آنکه قوانین جزائی برای جلوگیری از آن وضع شده) متاسفانه نهایت شیوع را دارد و تعقیبی که از بدکاران بعمل میآید کاملاً جنبه

شخصی داشته و بهمین جهت مؤثر در جلوگیری از آن نیست .

نکته جالب توجه در طرح قانونی مورد بحث موضوع تضامنی بودن مسئولیت زیان وارد آورندگان در مقابل زیان دیده میباشد - این نکته مسلم است که غالباً زیان وارد آورنده واقعی بعلمت نفوذیکه در زیردستان خود از قبیل رعیت - کارگر - اجیر یا مامور و غیره دارد بوسیله آنان اعمال نا روای خود را بموقع اجراء میگذارد و بعلمت فقر و عسرت حکم دادگاه بزبان مباشر قابل اجرائیست مخصوصاً در مورد زیان هائیکه رانندگان وسائط نقلیه باشخاص وارد میآورند غالباً بر حسب دستوری است که مالک وسیله نقلیه برخلاف قوانین براننده میدهد از قبیل سرعت حرکت برای استفاده بیشتر وی - بارگیری زائد بر ظرفیت و غیره فعلاً اشخاصیکه هدف بی مبالائی یا بی احتیاطی رانندگان واقع شده یا می شوند نمیتوانند جبران خسارات وارد شده را نمایند خاصه در صورتیکه بعلمت تصادم با وسائط نقلیه یکی از اعضاء رئیسه بدن خود را از دست بدهند و چون دادگاهها از صدور حکم خسارت زیان دیده خودداری میکنند مالک وسائط نقلیه بسهولت از تعقیب مصون مانده و بمسئولیت جبران خسارات زیان دیده نیز متوجه او نشده است - هر چند برای مجازات رانندگان طرح قانونی مخصوص بمجلس پیشنهاد شده است و با آنکه مجازات متخلفین را تشدید کرده اند باید بیش از تشدید مجازات بمسئولیت تضامنی صاحبان وسائط نقلیه در جبران خسارات مقتولین و مسدومین این حوادث توجه شود و در قانون مزبور مسئولین تضامنی راننده و مالک ماشین نقلیه برای جبران خسارات زیان دیده پیش بینی شود و صرف تشدید مجازات کافی نیست و بمسئولیت مالک ماشین خود موجب توجه دقیق بمقررات و سبب کاهش تصادمات است و بهمین جهات است که ماده ۱۴ طرح پیشنهادی چنین مقرر داشته که وقتیکه چند نفر مسئول زیان ناشی از یک عمل خلاف حق میباشدند مسئولیت آنها تضامنی است و زیان دیده میتواند از هر یک خسارت وارده را مطالبه نماید و برای جلوگیری از اوامر خلاف قانون کارفرمایان ماده ۱۶ تصریح کرده است باینکه کارفرما مسئول زیانی است که از طرف شاگرد ها و کارکنان اداری و کارگران او در حین انجام کار وارد شده است مگر اینکه ثابت نماید تمام احتیاط هائیکه اوضاع و احوال کار ایجاب مینماید برای جلوگیری از این نوع زیان بعمل آورده و با اینکه احتیاط

های مزبور را بعمل آورده معذالك قادر بجلوگیری از ورود زیان نبوده کارفرما میتواند بکسی که سبب ورود زیان شده است در صورتیکه مسئول شناخته شود مراجعه نماید یکی از نکات برجسته طرح قانونی مزبور موضوع مسئولیت کارمندان دولت است که بر اثر عمد یا غفلت از حدود اختیارات قانونی خود تجاوز نمایند و موجب زیان دیگران شوند - تاکنون احیانا اعمال خلاف قانون کارمندان دولت که بر طبق قانون جرم شناخته شده مورد تعقیب و مجازات واقع گردیده ولی سایر اقدامات آنها که موجب زیان ثالث میباشد امری مجاز و مباح بقلم رفته است و بهمین جهت سوء استفاده از قدرت قانون یکی از امور عادی شده ماده ۱۶ طرح قانونی اینست کارمند دولت که عمداً یا از روی غفلت تخطی از وظائف مربوط بشغلش مینماید تا اندازه که عمل خلاف وظیفه او را در مقابل شخص ثالث مسئول میکند باید از عهده جبران زیان وارده بر آید و قتیکه تقصیر کارمند غفلت است نمیتوان او را طرف دعوی خسارت قرارداد مکرر در موردیکه زیان دیده نتواند از راه دیگر جبران خسارت نماید .

در طرح مزبور دادرسان را از مسئولیت جبران خسارت زیان دیده معاف دانسته و این مسئولیت را مشروط بآن کرده که عمل خلاف قانون ناشی از اقدام دادرس طبق مقررات قانون مجازات جرم شناخته شده باشد طرح مسئولیت کارمندان دولت مطلق نیست و در ذیل ماده ۱۶ تصریح کرده است باینکه مواردیکه کارمند برخلاف وظیفه خود از رسیدگی امتناع یا تاخیر مینماید مشمول قاعده نامبرده نخواهد بود و در صورتیکه زیان دیده عمداً یا از روی غفلت برای جلوگیری از ورود زیان بوسائل قانونی متوسل نشود حق مطالبه جبران آنرا نخواهد داشت به عقیده نگارنده یکی از موجبات توجه خسارت باشخاص از طرف کارمندان دولت همان تاخیر یا امتناع از رسیدگی است که آن نیز نوعی از مفاهیم سوء استفاده از قدرت است و اگر این عنوان موجب مسئولیت نباشد موردیکه موجب مسئولیت آنان شود بسیار کم و نادر خواهد بود - متأسفانه حس وظیفه شناسی بعلت فسادیکه در دستگاه اداری مملکت حکمفرماست در کارمندان بسیار کم است باید کارمندان دولت خود را خدمتگذار جامعه بدانند نه حاکم بر مقررات افراد - و همچنین قوانین و نظامات را با تطبیق صحیح بمورد اجرا کنند - تصویب و اجراء این قانون سبب خواهد شد که کارمندان

دولت در آتیه قبلا در باب تسایح حاصله از اوامر و اقدامات خود (بنام اجراء قانون) تامل نمایند و با دقت در کار قدم بردارند.

ماده ۲۲ - طرح قانون مربوط بمسئولیت صاحبان حیوانات میباشد ماده ۳۳۴ قانون مدنی نیز در مورد مسئولیت مالك حیوان وضع شده و ماده مذکور چنین مقرر داشته - (مالك یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان بواسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد و فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود ولی ماده ۲۲ مشعر بر این است که جبران خسارت وارده از طرف حیوانات بعهده کسی است که حیوان در اختیار او است مگر اینکه ثابت کنند که برای نگاهداری و مواظبت حیوان تمام احتیاط های لازم را که اوضاع و احوال ایجاب می نمود بعمل آورده و یا اینکه ثابت نماید اگر احتیاط های مزبوره هم بعمل میامد معذالك قادر بجلوگیری از ورود زیان نبوده .

تبصره - همین حکم درباره کسی جاری است که مراقبت حیوانی را بموجب قرار داد بکسیکه حیوان در اختیار او است تمهید نماید . اگر حیوان بتوسط شخص یا حیوان متعلق بدیگری تحریک شده باشد که حیوان در اختیار او بوده حق مراجعه بشخص یا صاحب حیوان تحریک کننده خواهد داشت .

ماده ۲۲ طرح قانونی باماده ۳۳۴ قانون مدنی از دو جهت اختلاف دارد .

یکی آنکه ماده ۱۱۷ اصل مسئولیت صاحب حیوان را پذیرفته و ثبوت و ادعای عدم مسئولیت را بعهده او شناخته - و حال آنکه در ماده ۳۳۴ اصل عدم مسئولیت صاحب حیوان است مگر آنکه زیان دیده دعوی قصور و تقصیر مالك حیوان را به ثبوت رساند .

دیگر آنکه ماده ۲۲ فروض مختلفی را در نظر گرفته و موارد مسئولیت اشخاص را تفکیک نموده است .

ماده ۱۷ طرح قانونی در مورد دفاع مشروع می باشد و بموجب آن کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود مسئول نخواهد بود ولی اگر کسی برای جلوگیری از زیان یا خطر قریب الوقوع بخود یا دیگری موجب خسارت مسانی شخص ثالثی شود

دادگاه با در نظر گرفتن انصاف و عدالت مبلغی را که بایستی بخصارت دیده بپردازد معین خواهد کرد .

اعمال نا روای اشخاص ممکن است بموجب قانون مجازات عمومی بزه تشخیص شده یا نشده باشد در هر صورت آن اعمال متضمن بروز زیان‌هایی باشخاص خواهد بود و نیز سیاراتفاق اقتاده که زیان دیده علاقه خاصی بمجازات زیان وارد کننده ندارد واگر به تعقیب جزائی مبادرت می‌نماید بمنظور جبران خسارات مادی یا معنوی است باین جهت ماده ۱۸ دادگاه حقوق را از تبعیت از مقررات قانون مجازات بمنظور ثبوت تقصیر و ممیز بودن مرتکب عمل نامشروع و نیز براءت متهم منع کرده است و همچنین دادگاه ملزم به پیروی از حکم داده گاه جزا راجع به تشخیص تقصیر یا تعیین خسارت نیست - و بموجب این ماده ممکن است متهم در تعقیب جزائی تبرئه شود ولی از نظر حقوقی مسئول زیان شاکی شناخته شود و علت آن این است که از نظر جزائی برای محکوم کردن متهم باید دلائل قاطع اقامه شود و هر گاه دلائل براءت و محکومیت با هم موازنه نمایند باز حکم به براءت داده خواهد شد در این موارد حق آن است که از نظر مسئولیت حقوقی متهم محکوم شود ولو آنکه از نظر جزائی براءت حاصل نموده باشد .

در همین ماده کسانی را که برای حفظ حقوق خود متوسل بقوه قهریه شوند مسئول نشناخته بشرط آنکه بر حسب اوضاع و احوال استمداد از قوای عمومی بموقع ممکن نبوده و برای حفظ حقوق خود و یا مشکلاتر نشدن استفاده از حقوق خود وسیله دیگری جز توسل بقوه قهریه نداشته باشد .

ماده ۲۶- طرح قانونی راجع بمرور زمان دعوی خسارات اعم از مادی و معنوی را یکسال قراردادده و میداء آن از تاریخی شروع میشود که زیان دیده از وقوع زیان و سبب آن اطلاع حاصل کرده است و در هر حال اگر از تاریخ وقوع عملی که موجب خسارت شده ده سال بگذرد دیگر دعوی خسارت مسموع نیست .

ظاهر این ماده این است که قسمت اول آن با قسمت اخیر آن تضاد دارد ولی در حقیقت تباینی در بین نیست زیرا هر گاه زیان دیده از وقوع

خسارت مطلم نشده باشد و ده سال بگذرد در آن صورت دعوی مشمول مرور زمان خواهد شد ولی هر گاه زیان دیده از وقوع زیان مطلم باشد مرور زمان یکسال خواهد بود در مورد اعمالی که قانونا جرم شناخته شده ماده ۲۶ مقرر می‌دارد که اگر عملی که موجب زیان شده جرم و مرور زمان آن ده سال باشد مدت مرور زمان دعوی حقوقی همان مدت مرور زمان جزائی است .

ممکن است زیان دیده قبل از ورود زیان بجهتی مدیون زیان وارد آورنده باشد و پس از ورود زیان در مدت یکسال از تعقیب زیان وارد آورنده خودداری کند و پس از آن مدت زیان وارد آورنده مطالبه طلب خود را از زیان دیده بنماید در این مورد ذیل ماده ۱۲۶ اجازه داده است که که زیان دیده از برداخت دین خودداری کند .

عبارت ماده قدری نارسا است - و برای روشن شدن منظور بهتر آنست که در صورت مطالبه طلب از ناحیه زیان وارد آورنده دادگاه به دعوی خسارتی که مشمول مرور زمان شده رسیدگی نماید .

تهیه این طرح قانونی یکی از اقدامات مفید وزارت دادگستری است و چنانچه طرح مزبور تصویب شود در بهبود زندگانی اجتماعی ما تا اندازه مؤثر خواهد بود و مخصوصاً صاحبان قدرت مجبور خواهند شد در اجراء مقاصد نا مشروع خود تخفیف دهند - ولی با وضع فعلی مجلس تصویب این قانون و قوانین از این قبیل امکان پذیر بنظر نمی‌رسد .

شعبه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی